

بررسی طرحواره‌های تصویری قرآن کریم براساس نظریه جانسون (مطالعه موردی سوره صافات)

علی اسودی^۱
سمیه مدیری^۲

چکیده

زبان‌شناسی شناختی یکی از جدیدترین مقوله‌های زبان‌شناسی است که میان زبان و اندیشه، ارتباط برقرار کرده و شامل نظریه‌های مختلفی از جمله: استعاره مفهومی، طرحواره‌های تصویری و ... است. نظریه طرحواره‌های تصویری، روش‌هایی را که معنا و ادراک، از آن ناشی شده و مربوط به تجربه بدنی ما هستند، بررسی می‌کند. در طرحواره تصویری، تجربیات حسی بر ساختارهای مفهومی، نگاشت می‌شوند و با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان درباره حوزه‌های انتزاعی صحبت کرد. هدف از جستار حاضر، بررسی دلالت طرحواره‌های تصویری قرآن کریم با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی است. بدین منظور، با استفاده از نظریه جانسون، طرحواره‌های تصویری سوره صافات، مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که بیش‌ترین بسامد، مربوط به طرحواره قدرتی (۵۳٪) بوده است و بسامد طرحواره حرکتی (۲۴٪) و طرحواره حجمی (۲۳٪) تقریباً یکسان هستند. این امر با هدف سوره نیز که پیرامون جهان آخرت و انذار بندگان است، متناسب می‌باشد. همچنین بیش‌ترین بسامد حروف اضافه را در طرحواره حجمی، حرف "فی" با ۱۵ بار تکرار و در طرحواره حرکتی، حرف "الی" با ۹ بار تکرار به خود اختصاص داده و این طرحواره‌ها جهت درک بهتر مفاهیمی غیرتجربی، همچون: بهشت، جهنم، کفر، ایمان، ثواب و عقاب، قدرت و اراده خداوند و ... ایجاد شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، طرحواره تصویری، نظریه جانسون، قرآن کریم، سوره صافات.

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ |DOI: 10.52547/PAQ.9.3.30

asvadi@khu.ac.ir

۱- نویسنده مسئول: گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه خوارزمی

modiri@khu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه خوارزمی

۱. مقدمه

یکی از جدیدترین رویکردهای واکاوی و تحلیل متون که امروزه در جهان، مورد اقبال محققان و اندیشمندان قرار گرفته است، بحث "زبان‌شناسی شناختی" است. «زبان‌شناسی شناختی به عنوان جزء لاینفک جنبشی گسترده‌تر برای دستیابی به شرحی رضایت‌بخش از طبیعت شناخت انسان و به‌طور خاص به معنای زبانی شکل گرفت؛ جنبشی که در آن، گروه قابل توجهی از دانشمندان علوم شناختی از نیمه‌های دهه ۷۰ ابتدا در ایالات متحده و اندکی بعد در اروپا و به‌طور محدودتر در دیگر نقاط جهان درگیر بودند» (بارسلونا، ۱۳۹۰: ۹؛ به نقل از ذوالفقاری و عباسی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۸-۱۰۹).

«پیروان زبان‌شناسی شناختی معتقدند که تجربیات انسان از جهان خارج، به‌صورت الگوهایی در ذهن، طبقه‌بندی می‌شوند و زبان، ابزاری برای انعکاس این نظام ذهنی است» (تک‌تبار فیروزجائی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۲). تاکنون نظریه‌های بی‌شماری برای معرفی و مطالعه چگونگی شناخت انسان از محیط و مفاهیم پیرامونش و چگونگی طبقه‌بندی مفاهیم در ذهن، ارائه شده است. یکی از این نظریات، به بحث "طرحواره‌های تصویری" می‌پردازد.

«نخستین بار، مارک جانسون^۱ این اصطلاح را در زبان‌شناسی به کار برد. به نظر او، حرکات بدنی آدمیان و ارتباط حسی آن‌ها با جهان خارج، از الگوهای تکراری پیروی می‌کند که طرحواره‌های تصویری نام دارند» (قائمی‌نیا، ۱۴۰۰، ص ۵۶). طرحواره‌های تصویری از تجربیات حسی ابتدایی آموخته شده (Hedblom et al., 2019, p. 280) و به‌عنوان ساختارهای معنادار و عمدتاً در سطح حرکات بدنی ما در فضا و تعامل ادراکی ما ظاهر می‌شوند (Amant et al., 2006, p. 1).

طرحواره‌های تصویری، روابط فضایی-زمانی هستند که در علوم شناختی به‌عنوان اجزای سازنده‌ای برای مفهوم‌سازی اشیاء و رویدادها در سطح بالای مفهومی به‌کار گرفته شده (Hedblom et al., 2019, p. 279) و نوعی سازماندهی ذهنی بوده که بین ساختارهای انتزاعی و تصاویر ملموس، ارتباط برقرار می‌کنند (Santibanez, 2001, p.184). برخی نیز معتقدند که طرحواره تصویری، یک الگوی ذهنی است که درکی ساختاری از تجربیات مختلف، ارائه داده و به‌عنوان یک منبع برای درک دیگر تجربیات در استعاره، قابل استفاده است (Amant et al., 2006, p.1). همچنین ثابت شده است که

¹ Mark Johnson

ساختار طرحواره‌های تصویری برای ایجاد کردن مفاهیم معنادار کافی است (Santibanez, 2001, p. 183).

«طرحواره‌های تصویری با صورت‌های ذهنی یکی نیستند. وقتی چشمان خود را می‌بندیم و پدر، مادر یا یکی از دوستانمان را به خاطر می‌آوریم، صورت ذهنی - و نه طرحواره تصویری - از او داریم. صورت‌های ذهنی محصول فرایند شناختی آگاهانه‌ای هستند که جزئیات بیشتری را نشان می‌دهند و از یادآوری حافظه تصویری پیدا می‌شوند ولی طرحواره‌های تصویری، سرشت انتزاعی و کلی دارند و از تجربه بی‌وقفه بدنی پیدا می‌شوند. نمی‌توانیم آن‌ها را صرفاً با بستن چشمان خود به یاد بیاوریم؛ بلکه فعالیت‌های دیگری را هم باید انجام دهیم» (قائم‌نیا، ۱۴۰۰: ۶۰-۶۱). به عبارتی، صورت‌های ذهنی، مربوط به اشیاء مادی و ملموس بوده ولی طرحواره‌های تصویری، مربوط به امور انتزاعی و نامحسوس هستند.

براساس تجربه، انسان‌ها توانایی درک مفاهیم و رویدادها -چه ساده و چه پیچیده- را دارند و می‌توانند استدلال کنند، به پیش‌بینی بپردازند و یا حتی در موقعیت‌ها و تجربه‌های جدید، تصور خود را با واقعیت، تطبیق دهند (Hedblom et al., 2019, p. 280) و این امر، نشان‌دهنده عدم نیاز به آموزش نحوه درک طرحواره‌ها و در نتیجه، فهم خودکار آن‌ها توسط انسان مستقل از نوع زبان و فرهنگ وی دارد.

خداوند به آدمی، نعمت زبان را بخشید تا قادر به بیان افکار خود برای دیگران باشد. به عبارتی «زبان وسیله نمود ذهن و بازتاب‌دهنده جهان درون انسان است» (فتحی ایرانشاهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۲). معجزه قرآن، در لغت و کلام آن است و پروردگار عالمیان از روش‌های مختلفی بهره گرفته تا اسرار و مفاهیم موردنظر خویش را به خواننده کتابش انتقال دهد. یکی از این روش‌ها، ایجاد طرحواره‌های تصویری در ذهن مخاطب است و «هم‌چنان‌که یک هنرمند از دل یک قطعه سنگی خاموش و بی‌حرکت، تصویر انسان و یا موجودات دیگر را می‌تراشد، قرآن نیز از کلماتی ظاهراً ساده و بی‌جان، تصاویری زیبا خلق کرده‌است» (توکل‌نیا و حسومی، ۱۳۹۵: ۴۷)؛ به گونه‌ای که قاری قرآن، با تصور کردن و تصویری‌سازی آیات در ذهن خود، به درک کامل‌تری از مفاهیم انتزاعی دست می‌یابد. خداوند از طریق نزول قرآن، مطالب بی‌شمار و گوناگونی را برای بندگانش بیان کرده است. بدون شک، علی‌رغم انسجام و هماهنگی آیات قرآن، غرض اصلی نزول هر سوره با سوره‌های دیگر، متفاوت است. به

طور کلی، سوره‌های مکی، بیشتر در مورد مسئله توحید و انذار بندگان بوده ولی سوره‌های مدنی - که بعد از گسترش اسلام نازل شده‌اند - غالباً پیرامون بیان احکام و مسائل شرعی هستند. در این مقاله قصد داریم مفاهیم موجود در سوره صافات را - به عنوان یک سوره مکی - براساس طرحواره‌های تصویری موجود در آن تشریح نماییم تا مشخص شود خداوند تبارک و تعالی از چه طریقی، غرض اصلی خود را در قالب آیات این سوره بیان فرموده است؛ لذا در این جستار به سؤالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- کدامیک از طرحواره‌های سه‌گانه مورد نظر جانسون، در سوره صافات، بیش‌ترین فراوانی را دارد؟
- ۲- کدام حروف اضافه، بیش‌ترین کاربرد را برای ایجاد طرحواره‌های حجمی و حرکتی دارند؟
- ۳- طرحواره‌های موجود در سوره صافات، جهت تصویری‌سازی کدامین مفاهیم انتزاعی در ذهن مخاطب به کار گرفته شده‌اند؟

۲. پیشنهاد

در مورد طرحواره تصویری، پژوهش‌هایی در حیطه قرآن کریم انجام شده‌است؛ مانند: قائمی و ذوالفقاری (۱۳۹۵) در پژوهش خود، به بررسی طرحواره‌های تصویری در حوزه سفر زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن پرداخته و به انواع طرحواره‌های موجود، اشاره کرده‌اند. توکل‌نیا و حسومی (۱۳۹۵) طرحواره‌های تصویری حرف «فی» در قرآن را بر پایه نظریه جانسون بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که مفاهیم انتزاعی از طریق طرحواره‌های مختلفی مانند: طرحواره جهتی، حرکتی، همسانی، موجودیت و ... برای خواننده این آیات، قابل فهم و لمس شده‌اند. کریمی بروجنی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی نقش طرحواره نیرو در مفهوم‌سازی و درک مفاهیم اخلاقی قرآن پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که بسیاری از هنجارها و ناهنجاری‌های اخلاقی در قرآن از طریق استعاره‌های حاوی طرحواره، قابل درک و شناخت هستند. عابدی جزینی و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی طرحواره‌های تصویری «عذاب» در قرآن به این نتیجه رسیده‌اند که خداوند با بهره‌گیری از طرحواره‌ها، مفهوم انتزاعی عذاب را برای مخاطب، روشن ساخته است.

راستگو و صالحی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به طرحواره‌ی تصویری قدرتی در گفتمان قرآنی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در طرحواره‌ی قدرتی، مفاهیم انتزاعی کفر و نفاق، به مثابه سد و مانع، به تصویر درآمده است.

کردزعفرانلو و ابراهیم پورنیک (۱۳۹۸) طرحواره‌های تصویری در آیات توصیف‌کننده‌ی دوزخ و بهشت در سه سوره‌ی واقعه، انسان و الرحمن را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که طرحواره‌ی حرکتی، بیش‌ترین و طرحواره‌ی قدرتی، کم‌ترین تعداد طرحواره را به خود اختصاص داده‌اند. به غیر از قرآن، در آثار ادبی نیز کارهایی تطبیقی انجام شده‌است؛ از جمله:

فضائلی و شریفی (۱۳۹۲) طرحواره‌های قدرتی در برخی از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی را مطالعه کرده‌اند، ذوالفقاری و عباسی (۱۳۹۴) به استعاره‌ی مفهومی و طرحواره‌ی تصویری در اشعار ابن خفاجه پرداخته‌اند، شیخ-سنگ‌تجن (۱۳۹۶) طرحواره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های گویش تالشی را بررسی کرده، تک‌تبار فیروزجائی و همکاران (۱۳۹۷) طرحواره‌های تصویری ضرب‌المثل‌های فرائد‌الادب و نقش آن در انعکاس فرهنگ را تحلیل کرده‌اند، گلشائی و همکاران (۱۳۹۸)، استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری را بررسی کرده‌اند، عباسی و همکاران (۱۳۹۸)، نگاشت‌های استعاری و طرحواره‌ای در مفهوم اجل در آثار مولوی را بررسی کرده‌اند، فتاحی‌زاده و داودی (۱۳۹۸)، به طرحواره‌های تصویری فضایل و رذایل اخلاقی اجتماعی در مرویات نبوی پرداخته‌اند. فلاحی و امیری (۱۳۹۹)، طرحواره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی را تحلیل کرده‌اند، حاجی رجبی و همکاران (۱۳۹۹)، طرحواره‌های تصویری قدرتی و جهت‌ی در حبسیه‌های محمدجواد جزایری را بررسی کرده‌اند، صادقی و همکاران (۱۳۹۹)، به طرحواره‌های تصویری در اشعار مولانا پرداخته‌اند، فتحی ایرانشاهی و همکاران (۱۴۰۰)، طرحواره‌های تصویری حوزه‌ی احساسات در رمان حکایات تادرس را تحلیل کرده‌اند.

در خصوص سوره‌ی صافات نیز پژوهش‌های مستقلی به‌صورت زیر انجام شده‌است:

أحمد القضاة (۱۴۳۲) در «سورة الصافات: دراسة أسلوبية في المستوى المعجمي» کلمات به کاررفته در این سوره‌ی مبارکه را از نظر سبک‌شناسی مورد تحلیل قرار داده‌است.

أحلام عبدالمحسن صگر (۲۰۰۹) در «الدلالة التركيبية في سورة الصافات» به دلالت مهم‌ترین عناصر ترکیبی، از جمله: ذکر و حذف، تقدیم و تأخیر، اظهار و اضمار و ... در سوره‌ی صافات پرداخته‌است.

حنان عبداللطیف (۲۰۱۴م) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «التناسق الموضوعی فی سوره الصافات» به موضوعات مختلف مطرح شده در این سوره و همچنین تناسب میان آن‌ها پرداخته است. بابائی‌پور (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل تفسیری تشبیه‌ها و استعاره‌ها در سوره‌های صافات، الرحمن، واقعه و قلم» به مهم‌ترین تشبیه‌ها و استعاره‌های موجود در سوره‌های مذکور پرداخته است.

هاشمی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تصویرپردازی هنری در سوره صافات» برخی گونه‌های تصویرآفرینی در این سوره را تحلیل کرده و خاطر نشان ساخته است که تصاویر فرعی موجود در آیات، با هدف ایجاد تصویر کلی «وحدانیت و قدرت خداوند» به کار رفته‌اند.

صحاف کاشانی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «ساختار معنایی سوره مبارکه صافات با محوریت سلام بر انبیا (ع)» اشاره کرده است که ساختار معنایی این سوره به گونه‌ای است که آیات در قالب تأکید بر اصول اعتقادی توحید، نبوت و معاد بوده که محوریت سلام بر انبیاء می‌تواند قدر مشترک زیربنای این اصول باشد.

لذا با توجه به موارد ذکر شده در بالا، تاکنون، کاری مستقل و تطبیقی در خصوص طرحواره‌های تصویری سوره صافات و چگونگی دلالت آنها بر مفاهیم انتزاعی و مضامین مورد نظر خداوند متعال، انجام نشده است.

۳. نظریه طرحواره تصویری جانسون

نخستین بار، اصطلاح "طرحواره تصویر" به‌طور همزمان در دو کتاب "بدن در ذهن"^۱ اثر مارک جانسون و "زن‌ها، آتش و اشیاء خطرناک"^۲ اثر جورج لیکاف در سال ۱۹۸۷ میلادی مطرح شد. دغدغه اصلی نویسندگان این کتاب‌ها، پاسخ به این سؤال بود که چگونه معنا، تصور و استدلال، از تعاملات بدنی ما با محیط پیرامون، شکل گرفته و ذهن، قادر به درک مفاهیم انتزاعی می‌شود؟ (Johnson, 2005, p. 15). این نظریه، ابتدا در اواخر دهه ۸۰ توسط لاکوف (۱۹۸۷) و جانسون

¹ The Body in the Mind

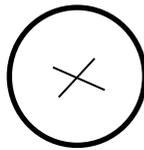
² Women, Fire, and Dangerous Things

(۱۹۸۷) توسعه یافت و به سرعت، توسط سایر محققان در منطقه مورد استفاده قرار گرفت؛ به عنوان مثال مندler (۱۹۹۲) (Hedblom et al., 2015, p. 22).

"طرحواره تصویر" الگوی فضایی انتزاعی ناشی از تجربه حسی-حرکتی به‌شمار می‌آید. این ساختارهای ذهنی، ارتباطی بین تجربیات جسمانی اجسام فیزیکی با جهان ادراکی آن عامل در زمان و مکان، ارائه می‌دهند (Hedblom et al., 2015, p. 22)؛ به عبارتی، طرحواره تصویر، بازخوانی فشرده تجربیات ادراکی به‌منظور نگاشت ساختار فضایی بر ساختار مفهومی است (Amant et al., 2006, p. 1) و سبب درک آسان‌تر و ملموس‌تر مفاهیم انتزاعی می‌شود. نظریه طرحواره تصویر جانسون، شامل سه طرحواره حرکتی، حجمی و قدرتی به شرح زیر است:

۱.۳. طرحواره حجمی^۱: «به اعتقاد جانسون، انسان از طریق تجربه قرارگرفتن در اتاق، تخت،

غار، خانه و دیگر مکان‌هایی که دارای حجم بوده و می‌توانند نوعی ظرف تلقی شوند و نیز قراردادن اشیاء مختلف در مکان‌هایی که از حجم برخوردارند، بدن خود را نوعی ظرف دارای حجم در نظر گرفته‌است و در نتیجه، طرحواره‌های انتزاعی‌ای از احجام فیزیکی در ذهن خود پدید آورده‌است. مانند مثال‌های زیر:



الف- رفته تو فکر

ب- توی همین حال خوش بمان

پ- از این حرف‌ها بیا بیرون» (صفوی، ۱۳۹۷: ۳۷۴-۳۷۵).

بدین ترتیب، با در نظر گرفتن حجم برای «فکر»، «حال خوش» و «حرف» درک این مفاهیم

انتزاعی برای مخاطب، آسان‌تر خواهد شد.

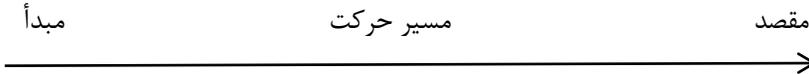
۲.۳. طرحواره حرکتی^۲: «به اعتقاد جانسون، حرکت انسان و مشاهده حرکت سایر پدیده‌های

متحرک، تجربه‌ای در اختیار انسان قرار داده تا طرحواره‌ای انتزاعی از این حرکت فیزیکی در ذهن خود پدید آورد و برای آن‌چه قادر به حرکت نیست، چنین ویژگی‌ای را در نظر بگیرد. حرکت دارای آغاز و پایان است (مبدأ و مقصد). مسلماً حرکت از مبدأ به مقصد، مستلزم گذر از نقاط مختلف مسیر حرکت

¹ Containment schema

² Path schema

است. حرکت، متضمن گذر زمان است که می‌تواند به صورت صریح یا ضمنی در طرحواره حرکتی مطرح باشد؛ همانند تصویر و مثال‌های زیر:



الف- رسیدیم به ته قصه.

ب- چیزی نمانده برسد به خوردن شمع‌های روی کیک.

ج- برای رسیدن به موفقیت باید تلاش کرد (صفوی، ۱۳۹۷: ۳۷۵-۳۷۶).

در این نمونه‌ها گویی مسیری وجود دارد که در آن حرکت می‌کنند. این حرکت در ذهن خواننده، تصویر می‌شود تا مفاهیم موردنظر را راحت‌تر درک کند؛ به عنوان مثال، مخاطب تصور می‌کند «قصه» دارای ابتدا و انتها است که از ابتدای آن حرکت کرده و مسیری را طی نموده تا به انتهای آن برسد.

۳.۳. طرحواره قدرتی^۱: شرایطی را در نظر بگیرید که در برابر حرکت، نیروی مقاومت یا سدی قرار گرفته باشد. انسان برحسب تجربیات خود، امکانات مختلفی را در برخورد با چنین سدی تجربه کرده‌است و قدرت خود را در گذر از این سد آزموده است. به این ترتیب، طرحواره‌ای انتزاعی از این برخورد فیزیکی در ذهن خود پدید آورده است و این ویژگی را به پدیده‌هایی نسبت می‌دهد که از چنین ویژگی‌ای برخوردار نیستند. جانسون این نوع طرحواره تصوری را طرحواره قدرتی نامیده که دارای سه نوع می‌باشد:

۳.۳.۱. در مسیر حرکت، سدی ایجاد شده باشد که نتوان از آن گذشت و حرکت، قطع شود؛

همانند شکل و نمونه‌های زیر:

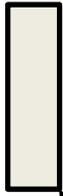
الف- برای گرفتن جواز ساختمان خوردیم به یک بدبختی و هیچ کاری نتوانستیم بکنیم.

ب- گرفتار مصیبتی شدم که نه راه پس داشتم، نه راه پیش.

۳.۳.۲. در مسیر حرکت سدی به وجود آمده باشد و سه حالت مختلف را پیش روی ما قرار دهد:

الف) مسیر را تغییر دهد ولی این تغییر مسیر به گذر از آن سد منجر نشود؛ مانند:

¹ Force schema



این امتحان، ممکنه مسیر زندگی‌ات را تغییر بده.

ب) انسان بتواند از کنار آن سد بگذرد و به راهش ادامه بدهد؛ مانند:

خودت را درگیر این مخمصه نکن و از کنارش بگذر.

ج) انسان با قدرت از میان آن سد عبور کند؛ مانند:

شرّ این مصاحبه را از سرم رد کردم و رفتم بانک استخدام شدم.

۳.۳. انسان بتواند سد مذکور را از مسیر حرکت بردارد و به حرکت خود ادامه دهد؛ مانند:

برای این که به مدیریت اداره برسم، همه را کنار زد و جلو رفتم (صفوی، ۱۳۹۷: ۳۷۶-۳۷۹).



۴. تطبیق نمونه‌ها

سوره صافات مکی است و ۱۸۲ آیه دارد. در این سوره بر مسأله توحید، احتجاج شده و مشرکین

مخالف توحید را تهدید نموده و مؤمنین خالص را بشارت می‌دهد و سرانجام کار هر یک از دو طایفه را

بیان می‌کند. در خاتمه سوره نیز بیانی ایراد می‌فرماید که به منزله خلاصه‌گیری از غرض سوره است؛

یعنی تنزیه خدا و سلام بر بندگان مرسل و حمد خدای تعالی در برابر رفتار نیکی که با ایشان کرده -

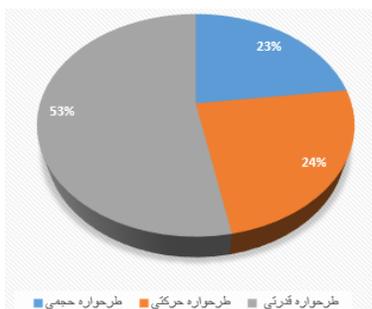
است (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۱۸۰). با توجه به تعاریف ارائه‌شده از سه طرحواره جمعی، حرکتی و

قدرتی، مصادیق آن‌ها در میان آیات سوره صافات، استخراج شد که فراوانی هر یک از آن‌ها در جدول

زیر آورده شده است:

جدول ۱: فراوانی طرحواره‌های تصویری در سوره صافات

طرحواره	شماره آیه	فراوانی	درصد
جمعی	۱-۶-۳۳-۴۳-۴۷-۴۸-۴۹-۵۴-۵۵-۵۶-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۷۲-۷۶-۷۸-۷۹-۸۸- ۹۷-۱۰۲-۱۰۸-۱۱۵-۱۱۹-۱۲۹-۱۳۵-۱۴۴-۱۶۵-۱۷۷	۲۹	٪۲۳
حرکتی	۸-۱۰-۲۳-۲۷-۲۸-۳۷-۵۰-۶۸-۷۰-۷۲-۸۴-۹۰-۹۱-۹۳-۹۴-۹۹-۱۲۳- ۱۳۹-۱۴۰-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۷-۱۴۸-۱۵۷-۱۶۳-۱۷۱-۱۷۴-۱۷۸-۱۸۱	۳۰	٪۲۴
قدرتی	۲-۷-۸-۹-۱۰-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۴-۲۵-۲۶-۲۹- ۳۰-۳۱-۳۲-۳۵-۳۶-۳۸-۴۰-۵۲-۵۳-۵۷-۶۰-۶۱-۷۱-۷۴-۷۶-۸۱-۹۲-۹۳-۹۸- ۱۰۲-۱۰۳-۱۱۱-۱۱۵-۱۱۶-۱۲۲-۱۲۷-۱۲۸-۱۳۲-۱۳۴-۱۳۶-۱۴۴-۱۴۸-۱۵۵- ۱۵۸-۱۶۰-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۹	۶۵	٪۵۳



شکل ۱: نمودار فراوانی طرحواره‌های تصویری در سوره صافات

در ادامه، به برخی از مصادیق هریک از این طرحواره‌ها اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است که در ترجمه آیات، از ترجمه فولادوند استفاده شده است.

۱.۴. طرحواره حجمی

خداوند در آیات بسیاری از سوره صافات، با ایجاد طرحواره‌های حجمی، درک مفاهیم انتزاعی را برای مخاطب و قاری قرآن، آسان‌تر کرده‌است؛ مانند نمونه‌های زیر:

(وَالصَّاقَّاتِ صَفًّا) (۱) سوگند به صف بستگان که صفی [با شکوه] بسته‌اند.

"صف" به معنی "صف کشیدن" و "در صف کردن" است؛ بدین معنی که اشیاء مانند انسان و غیره در یک ردیف و خط مستوی قرار گیرند. همچنین به معنی باز کردن پرنده‌هاست بال‌های خود را به طوری که حرکت نکند (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۱۳۴). منظور از "الصَّاقَّاتِ صَفًّا" فرشتگان و پیامبران و کسانی هستند که پرستش کنان برای خداوند صف می‌کشند (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۶۶۶).

بدین ترتیب خداوند تبارک و تعالی، فرشتگان را که موجوداتی مادی نبوده، دارای حجم و جسم و ابعاد در نظر گرفته‌است که در یک صف قرار می‌گیرند و شاید بتوان گفت این نمونه، یکی از بهترین نمونه‌های تصویرسازی ذهنی به‌شمار می‌آید که وضعیت فرشتگان را در هنگام نزول وحی به تصویر می‌کشد.

(وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ) (۴۸) و نزدشان [دلبرانی] فروهشته نگاه و فراخ‌دیده باشند.

این آیه وصف حوریانی است که برای مخلصین آماده شده‌اند. بعضی از مفسرین گفته‌اند معنای "قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ" این است که حوریان فقط به همسران خود نگاه می‌کنند و آن‌قدر ایشان را دوست

می‌دارند که نظر از ایشان به دیگر سو نمی‌گردانند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۰۸). در این آیه، برای "نگاه" که یک مفهوم انتزاعی است اندازه و مقدار در نظر گرفته شده و فرموده است که نگاه خود را کوتاه می‌کنند.

(كَانَ هُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ) (۴۹) [از شدت سپیدی] گویی تخم شترمرغ [زیر پر آند.

واژه "مَكْنُونٌ" به معنای "پنهان شده" و "ذخیره شده" است. بعضی از مفسرین گفته‌اند منظور از تشبیه حوریان به "بَيْضٌ مَّكْنُونٌ" این است که همانطور که تخم مرغ مادامی که در زیر پر مرغ و یا در لانه و یا در جای دیگر محفوظ می‌باشد، همچنان دست نخورده می‌ماند و غباری بر آن نمی‌نشیند حوریان نیز این‌طورند. بعضی دیگر گفته‌اند منظور، تشبیه آنان به باطن تخم است، قبل از آن که شکسته شود و دست خورده گردد (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۰۸). در این آیه نیز خداوند برای نشان دادن وضعیت حوریان بهشتی، آنان را دارای حجم در نظر گرفته که درون یک تخم مرغ، جای گرفته و پنهان هستند.

(قَالَ هَلْ أُنْتُمْ مُطَّلِعُونَ) (۵۴) [مؤمن] می‌پرسد آیا شما اطلاع دارید [کجاست].

"اطّلاع" از باب افتعال به معنی "آگاه شدن" است و نیز به معنی "اشراف" و از بالا نگاه کردن" است. بعضی "مطلّعون" را نیز "اشراف" معنی کرده‌اند. ناگفته نماند اشراف، نوعاً توأم با تسلط است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۳۱) و معنای جمله این است که: همان شخص سپس رفقای بهشتی خود را مخاطب ساخته، می‌گوید: آیا شما به جهنم اشراف دارید و اهل جهنم را می‌بینید و می‌توانید آن رفیق مرا در جهنم پیدا کنید و ببینید چه حالی دارد؟ (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۰۹). در این آیه، برای جهنم، حجم و ابعاد در نظر گرفته شده است که شخص می‌تواند بالای آن قرار گرفته و به آن اشراف پیدا کند.

(قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ) (۵۶) [و] می‌گوید به خدا سوگند چیزی نمانده بود که تو مرا به

هلاکت اندازی.

کلمه "تُرْدِينَ" از ماده "ارداء" است که به معنای "ساقط شدن از مکانی بلند"، چون قلّه کوه می‌باشد و این عبارت، کنایه از هلاکت بوده و معنای جمله این است که: به خدا سوگند می‌خورم که نزدیک بود تو مرا هم مثل خودت هلاک کنی و بدینجا ساقط سازی که خودت سقوط کردی (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۱۰). در این آیه، هلاکت به منزله مکانی دارای حجم در نظر گرفته شده است که در

آن می‌افتند و تصویرسازی به‌گونه‌ای انجام شده که در ذهن مخاطب، این تصور ایجاد می‌شود که فرد در مکانی بلند قرار داشته و سپس به قعر درهٔ هلاکت سقوط می‌کند تا شدت و وخامت اوضاع را بهتر درک کند.

(طَلَعَهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ) (۶۵) میوه‌اش گویی چون کله‌های شیاطین است.

"طلع النخل" یعنی آنچه که از خرما بن بر می‌آید و ظاهر می‌شود (شکوفه‌ها) (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۹۷). در این آیه، میوهٔ درخت زقوم را به سر شیطان‌ها تشبیه کرده و این بدان عنایت است که عوام از مردم، شیطان را در زشت‌ترین صورت‌ها تصویر می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۱۲). بدین ترتیب برای شیطان که یک موجود غیر مادی است، حجم و جسم در نظر گرفته شده که دارای سر نیز می‌باشد.

(وَجَنَيْنَا وَاهْلُهُ مِنْ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ) (۷۶) و او و کسانش را از اندوه بزرگ رهانیدیم.

"الکرب" یعنی "غم و اندوه شدید" (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۰) و مراد از آن در اینجا همان طوفان و یا آزار قوم نوح است (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۲۱). در این آیه، اندوه به منزلهٔ مکانی دارای حجم در نظر گرفته شده که از آن، رهایی پیدا کرده‌اند.

(فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْدَرِينَ) (۱۷۷) [پس هشدار داده شدگان را] آنگاه که عذاب به

خانهٔ آنان فرود آید چه بد صبحگاهی است.

نزول عذاب به ساحت آنان، کنایه است از نزول آن از همه طرف، به طوری که عذاب، ایشان را احاطه کند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۷۳). در اینجا نیز برای "عذاب"، حجم در نظر گرفته شده که می‌تواند کافران را احاطه کند و با این کار، خوف و هراس از عذاب، در دل و ذهن مخاطب ایجاد می‌شود.

همچنین بیشترین بسامد را در حروف اضافه، برای ایجاد طرحوارهٔ حجمی، حرف "فی" با ۱۵ بار

تکرار به خود اختصاص داده است؛ مانند آیات زیر:

(فَاطَّلَعَ قَرَآءَهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ) (۵۵) پس اطلاع حاصل می‌کند و او را در میان آتش می‌بیند.

"سواء" در اصل مصدر است به معنی "برابری" و به معنی "مساوی و وسط" (وصف و ظرف) به کار می‌رود (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۶۰) و معنای جمله مورد بحث این است که خود آن گوینده به جهنم مشرف می‌شود و رفیق خود را در وسط آتش می‌بیند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۱۰).

در این آیه، برای آتش جهنم، ابعاد در نظر گرفته شده که آن شخص، خود را در وسط آن می‌بیند.

(إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ) (۶۴) آن درختی است که از قعر آتش سوزان می‌روید. "أَصْلِ الْجَحِيمِ" به معنای قعر جهنم است (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۱۲) گویی که جهنم، حجم و طول و عرض و ارتفاع دارد و درخت مذکور، در قعر آن واقع شده‌است. همچنین در آیات (لَا فِيهَا عِوَالٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ) (۴۷)، (إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ) (۶۴)، (قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ) (۹۷) و آیات مشابه برای بهشت و جهنم، حجم که از مستلزمات امور مادی است در نظر گرفته‌شده تا شدت عذاب و چگونگی ثواب، بهتر درک گردد.

۲.۴. طرحواره حرکتی

بیشترین بسامد در حروف اضافه، برای ایجاد طرحواره حرکتی را حرف "إلى" با ۹ بار تکرار به خود اختصاص داده است؛ مانند آیات زیر:

(مِنْ دُونَ اللَّهِ فَاهْتَدَوْهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ) (۲۳) گرد آورید و به سوی راه جهنم رهبری‌شان کنید.

مراد از اینکه فرموده (ایشان را به سوی صراط جحیم هدایت کنید) این است که ایشان را به سوی جهنم ببرید و در جهنم بیفکنید (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۱۹۹). گویی مقصد ایشان، جهنم است و در آیه، هم به مسیر و هم به مقصد، اشاره شده است.

(ثُمَّ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ إِلَى الْجَحِيمِ) (۶۸) آنگاه بازگشتشان بی‌گمان به سوی دوزخ است. در این آیه، به مسیر و مقصد آن‌ها که همان دوزخ است اشاره می‌کند. یعنی مسیری را در نظر گرفته‌است که مبدأ دارد و پس از طی کردن آن مسیر، به مقصد خود که همان دوزخ است می‌رسند.

(إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ) (۱۴۰) آنگاه که به سوی کشتی پر بگریخت. عبارت (أَبَقَ الْعَبْدُ، يَأْبِقُ إِبَاقًا وَ أَبَقَ يَأْبِقُ) در زمان گریختن و فرار کردن به‌کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۴۵) ولی قاموس، آن را "رفتن بدون ترس و زحمت" و نیز "رفتن پس از مخفی‌شدن" نوشته است و لذا منظور، دویدن و فرار نیست بلکه رفتن در حال قهر از مولای خود است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۹)؛ لذا در این آیه، حرکت به سمت کشتی، قهر و

ناراحتی و کناره‌گیری یونس (ع) از قوم خود را در ذهن تداعی می‌کند. اما در غالب آیات، بدون استفاده از حروف اضافه و با استفاده از واژگانی که به نوعی، حرکت و پویایی را در ذهن، تصویر می‌کنند، این طرحواره ایجاد شده‌است؛ مانند:

(قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ) (۲۸) [و] می‌گویند شما [ظاهراً] از در راستی با ما درمی‌آمدید [و خود را حق به جانب می‌نمودید]

این آیه به گونه‌ای بیان شده که انگار از سمت راست بر ایشان وارد می‌شده‌اند و به نوعی، حرکت را در ذهن مخاطب، مجسم می‌کند.

(فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ) (۵۰) پس برخی‌شان به برخی روی نموده و از همدیگر پرس‌وجو می‌کنند.

این آیه به گونه‌ای تصویرسازی شده‌است که گویی هر کدام به سویی روی داشته‌اند و روی خود را به سمت هم بر می‌گردانند تا از یکدیگر سؤال بپرسند؛ در صورتی که در عالم آخرت، جهت و سمت و سو - که از ویژگی‌های عالم ماده است - وجود ندارد.

(فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ) (۷۰) پس ایشان به دنبال آن‌ها می‌شتابند.

"هرع" دوندۀ سریع السیر را گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۵۱۷) و مقصود آیه آن است که از پدران خود، دنباله‌روی می‌کنند (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۶۷۹) و بدین ترتیب، روش زندگی آنان را به صورت حرکتی که گویی در مسیری مشخص و با دنبال کردن رد پای نیاکان انجام می‌شود، در ذهن، ترسیم می‌کند.

(إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ) (۸۴) آنگاه که با دلی پاک به [پیشگاه] پروردگارش آمد.

آمدن نزد پروردگار کنایه است از تصدیق خدا و ایمان به او (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۲۴). در این آیه، ایمان را که یک امر انتزاعی است با تصویرسازی حرکت به سمت خدا - با دلی پاک - مجسم کرده‌است.

(فَتَبَدَّلْنَا بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ) (۱۴۵) پس او را درحالی که ناخوش بود به زمین خشکی

افکندیم.

"نبذ" به معنی دور افکندن چیزی است که مورد توجه نیست، مثل دور افکندن کفش کهنه (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۸). در این آیه، برای بیان چگونگی خروج یونس (ع) از شکم ماهی، از تعبیر "نبذ" استفاده شده است و حرکت پرتابی را در ذهن مخاطب، مجسم می‌کند.

همچنین در ۸ آیه از فعل "فرستادن" استفاده شده است که نوعی حرکت را از مبدأ به مقصدهای متفاوت در ذهن، تصویر می‌کند؛ همچون آیات زیر:

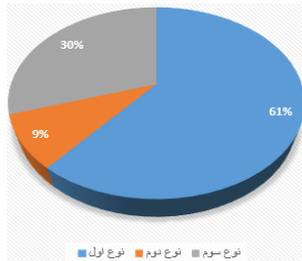
(بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ) (۳۷)، (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنذِرِينَ) (۷۲) و (وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ) (۱۳۲).

۳.۴. طرحواره قدرتی

طرحواره‌های قدرتی شامل سه نوع بوده که بسامد وقوع هریک از آن‌ها در جدول و نمودار زیر نشان داده شده است:

جدول ۲ فراوانی طرحواره‌های قدرتی در سوره صافات

طرحواره	شماره آیه	فراوانی	درصد
نوع اول	۲-۷-۸-۹-۱۰-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۴-۲۵-۲۶-۳۱-۳۵-۳۶-۳۸-۵۳-۵۷-۹۲-۹۳-۹۸-۱۰۳-۱۲۷-۱۳۶-۱۴۴-۱۵۵-۱۷۹-۱۷۶-۱۷۵-۱۷۰-۱۶۳-۱۵۸-۱۵۵	۴۰	٪۶۱
نوع دوم	۱۰-۳۰-۳۲-۶۹-۷۱-۱۶۲	۶	٪۹
نوع سوم	۴۰-۵۲-۶۰-۷۴-۷۶-۸۱-۱۰۲-۱۱۱-۱۱۵-۱۱۶-۱۲۲-۱۲۸-۱۳۲-۱۳۴-۱۴۸-۱۶۰-۱۶۹-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳	۲۰	٪۳۰



شکل ۲ نمودار بسامد انواع طرحواره‌های قدرتی در سوره صافات

از میان طرحواره‌های قدرتی به کار رفته در آیات سوره صافات، ۳۹ طرحواره نوع اول، ۵ طرحواره نوع دوم و ۲۰ طرحواره نوع سوم وجود دارد و آیه (۱۰) نیز شامل هر دو نوع اول و دوم می‌شود:

(إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ) (۱۰) مگر کسی که از سخن بالاییان یکباره استراق سمع کند که شهابی شکافنده از پی او می‌تازد.

"الخطف" و "الإختطاف" یعنی ربودن چیزی با شتاب و سرعت. "الخطاف" نیز پرستو است که گوئی با سرعت پروازش چیزی را ربوده است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۱۲). "ثقب" یعنی "نفوذ کرد و سوراخ نمود"، "ثاقب" به آن‌گونه معنی اطلاق می‌شود که نورش از هر آنچه بر آن قرار گیرد در گذرد و نفوذ کند و آن را روشن سازد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۵۸).

توجیه مسأله استراق سمع شیطان‌ها در آسمان بدین صورت است که این بیاناتی که در کلام خدای تعالی دیده می‌شود، از باب مثال‌هایی است که به منظور تصویر حقایق خارج از حس، زده شده تا آنچه خارج از حس است به صورت محسوسات در افهام بگنجد، همچنان‌که خود خدای تعالی در کلام مجیدش فرموده: (وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ) (عنکبوت: ۴۳). بنابراین مراد این است که شیطان‌ها می‌خواهند به عالم فرشتگان نزدیک شوند و از اسرار خلقت و حوادث آینده سر درآورند و ملائکه هم ایشان را با نوری از ملکوت که شیطان‌ها تاب تحمل آن را ندارند، دور می‌سازند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۱۸۷-۱۸۹).

در بخش اول از آیه، بیان می‌کند که آنان تلاش می‌کنند از مانع عبور کنند و بشنوند ولی نمی‌توانند گوش کنند بلکه استراق سمع می‌کنند؛ گویی که از کنار مانع رد شده‌اند (طرحواره نوع دوم) اما

در بخش دوم آیه، بیان می‌کند که در نهایت، جلوی آن‌ها گرفته شده و نمی‌توانند از مانع عبور کنند (طرحواره نوع اول).

لازم به ذکر است که طرحواره‌های نوع اول، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) گروهی از آیات که در آن‌ها مخاطب، علی‌رغم داشتن توانایی و قدرت، تلاشی برای عبور از مانع نمی‌کند؛ مانند آیات زیر:

(بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ) (۱۲) (وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ) (۱۳) (وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخَرُونَ) (۱۴) (قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ) (۲۹) (إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ) (۳۵) (فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ) (۱۷۰)

که در آن‌ها با وجود نشانه‌های فراوان و همچنین قدرت بر کنار زدن مانع کفر، با مسخره‌کردن و کفر ورزیدن، از پذیرش حق، سرباز زده و در پشت مانع، متوقف می‌شوند.

ب) گروهی از آیات که در آن‌ها شخص با مشاهده نشانه‌های عذاب، تسلیم شده و دیگر هیچ قدرتی برای غلبه بر مانع ندارد؛ یا مانع، به قدری بزرگ و مستحکم است که امکان عبور از آن وجود ندارد. به عبارت دیگر، آیات مربوط، نشان‌دهنده عدم توان و قدرت هستند؛ همچون آیات زیر که در آن‌ها کافران با مشاهده روز قیامت، گویی تمام قدرت خود را از دست داده و می‌خکوب شده و در حال نظاره‌کردن عذاب الهی، با حسرت و اندوه می‌گویند این همان وعده خداوند است که ما از پذیرفتن آن روی‌گردان بودیم:

(فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ) (۱۹) (وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ) (۲۰) (هَذَا يَوْمُ الْفُصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ) (۲۱)

آیه ۲۰ عطف است بر آیه ۱۹ است که دلالت بر آن دارد که مشرکین بعد از زنده‌شدن، مبهوت و دهشت‌زده هستند و همه در فکر آن‌اند که آیا عالم قیامت را به خواب می‌بینند یا به بیداری؟ آن وقت متوجه می‌شوند که نه، خواب نیستند و این همان روز بعث و روز جزا است (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۱۹۶) و همچنین هیچ توان و نیرویی برای گریز از آن در خود نمی‌بینند و در پشت مانع، متوقف می‌شوند.

در آیات زیر، قدرت خداوند بر عذاب کافران - که مانعی برای رسیدن به بهشت و رستگاری است -

آن‌چنان هیبتی دارد که هیچ قدرتی برای غلبه بر آن باقی نمی‌ماند:

(فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا) (۲) و به زجرکنندگان که به سختی زجر می‌کنند.

کلمه "زاجرات" از "زجر" است که به معنای آن است که کسی را با تهدید به مذمت و یا کتک، از کاری و یا راهی منصرف کنی (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۱۸۰) و با این تعبیر، خداوند بیان می‌کند که ملائکه با قدرت تمام، راه نفوذ شیاطین را بسته و به آن‌ها اجازه عبور از مانع و گوش سپردن به وحی را نمی‌دهند.

(وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ) (۷) و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم.

"مارد" و "مرید" از انسان‌ها یا شیاطین آن‌هائی هستند که از خیرات و نیکی‌ها بی‌بهره و دورند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۱۷). در این آیه، مانعی در مقابل شیاطین ایجاد شده که قادر به عبور از آن نیستند.

(لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَدِّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ) (۸) [به‌طوری‌که] نمی‌توانند به انبوه

[فرشتگان] عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند.

"القدف" به معنی "دور افکندن" است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۵۲). کلمه "يَسْمَعُونَ" در اصل "یتسمعون" بوده و "تسمع" به معنای "گوش دادن" است و اینکه فرمود شیطان‌های خبیث نمی‌توانند به آنچه در ملاً اعلی می‌گذرد گوش دهند، کنایه است از اینکه آن‌ها از نزدیکی بدانجا ممنوع هستند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۱۸۵). این که در آیه می‌فرماید قادر به گوش دادن نیستند یعنی نمی‌توانند از مانع ایجاد شده عبور کنند.

(دُخُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ) (۹) با شدت به دور رانده می‌شوند و برای‌شان عذابی دائم است.

"الدحر" به معنی "دور کردن و راندن" است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۶۵۹)؛ یعنی این شیطان‌ها مدحور و رانده شده درگاه خدایند و کلمه "واصب" به معنای واجب و لازم است (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۱۸۶)؛ لذا به هیچ وجه قادر به عبور از مانع نیستند و خداوند با این تعبیر، شدت حراست از وحی را به تصویر می‌کشد.

(قُلْ نَعْمَ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ) (۱۸) بگو آری درحالی که شما خوارید.

"دخر" یعنی "ذلت، خواری" و "داخر" نیز به معنای "خوار و ذلیل" است (قرشی بنایی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۳۱). عبارت "أدخرته فدخر" یعنی خوارش کردم و ذلیل شد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۶۶۲). "وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ" یعنی زنده می‌شوید درحالی که خوار و بی‌مقدار و ذلیل باشید و این در حقیقت،

احتجاج و استدلال به عمومیت قدرت خدا و نفوذ اراده بی‌درنگ او است (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۱۹۶). بدین ترتیب، آیه بر برانگیخته شدن قطعی کافران که همراه با ذلت و خواری آنان است دلالت می‌کند که البته هیچ راه گریزی از آن نخواهند داشت.

(وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ) (۲۴) و بازداشتشان نمایید که آن‌ها مسؤول‌اند.

"وقف" به معنی "حبس شدن و حبس کردن"، "متوقف شدن و متوقف کردن" است (قرشی بنیایی، ۱۳۸۱، ج ۷: ۲۳۶) و لذا معنای جمله "وَقَفُّوهُمْ" این می‌شود که ایشان را نگه دارید و نگذارید بروند که باید بازخواست شوند و از سیاق استفاده می‌شود که این امر به بازداشت و بازخواست، در سر راه جهنم، صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۰۰).

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که (وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ) درباره ولایت علی (ع) است، این- که در برابر او چه رفتاری پیشه کردند و ایشان فرموده‌اند: چون روز قیامت فرا رسد، خداوند متعال به دو فرشته فرمان می‌دهد تا بر [پل] صراط بنشینند، پس هر کس جواز علی بن ابی طالب (ع) را همراه داشته باشد، از آن می‌گذرد و هر کس جواز امیر مؤمنان (ع) را نداشته باشد، خداوند او را با سر به سوی آتش دوزخ واژگون می‌کند (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۶۷۱). بدین ترتیب، کسی که ولایت علی (ع) را همراه نداشته باشد، قادر به عبور از مانع ایجادشده نخواهد بود.

(وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ) (۵۷) و اگر رحمت پروردگارم نبود هرآینه من [نیز] از

احضارشدگان بودم.

کلمه "محضَرین" از "احضار" است که به معنای "جلب کردن مجرم برای شکنجه و عذاب" است و معنای جمله مورد بحث این است که: اگر توفیق پروردگارم دستگیرم نمی‌شد و اگر خدا هدایت‌م نکرده بود، من نیز مثل تو از آن‌هایی بودم که برای عذاب، احضار شدند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۱۰). در این آیه، خداوند با به‌کار بردن واژه "احضار"، به مخاطب می‌فهماند که نمی‌توانند در مقابل این امر، مقاومت کرده و به اختیار خود عمل کنند بلکه احضار و بازخواست خواهند شد.

(وَأُبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ) (۱۷۵) و آنان را بنگر که خواهند دید.

از اینکه در آغاز، امر به بینایی می‌کند و سپس خبر می‌دهد که به زودی خواهند دید و سپس کلام را بر اعراض فوری در آیه قبلی عطف می‌کند، از نظر سیاق استفاده می‌شود که می‌خواهد بفرماید لجبازی و وجود ایشان را نیک بنگر و ببین در مقابل انذار و تخویف تو چه عکس‌العملی نشان می‌دهند

و چگونه انکار می‌کنند و به زودی خواهند دید سرانجام لجبازی و استکبارشان چیست (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۷۲)؛ یعنی در نهایت، مغلوب شده و قدرت خداوند بر استکبار آنان برتری خواهد یافت. (اِحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَاَزُواْجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ) (۲۲) کسانی را که ستم کرده‌اند با هم‌ردیفان‌شان و آنچه غیر از خدا می‌پرستیده‌اند.

"حشر" به معنی برانگیختن و بیرون آوردن گروه و جماعت از جایگاه‌شان و روانه کردن آن‌ها از آنجا به سوی جنگ و یا نظیر آن امور و کارها است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۹۵) و "الَّذِينَ ظَلَمُوا" مشرکینی هستند که در برابر حق عناد می‌ورزند و سد راه پیشرفت آن هستند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۱۹۷)؛ لذا تعبیر به کار رفته در آیه، دلالت بر آن دارد که در روز قیامت، مشرکان را به زور برانگیخته کرده و در پیشگاه خداوند حاضر می‌کنند و آنان هیچ قدرتی برای جلوگیری از این کار ندارند.

آیه ۱۲۷ نیز شامل هر دو دسته از نوع اول طرحواره قدرتی می‌شود:

(فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ) (۱۲۷) پس او را دروغگو شمردند و قطعاً آن‌ها [در آتش] احضار خواهند

شد.

کلمه "محضرون" به این معنا است که تکذیب‌کنندگان مبعوث می‌شوند تا برای عذاب، احضار شوند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۴۱)؛ لذا شامل هر دو دسته می‌شود: با تکذیب کلام و دعوت فرستاده خدا، در برابر پذیرفتن راه راست، مقاومت کردند (مقاومت در برابر پذیرفتن راه راست، علی‌رغم داشتن قدرت = دسته اول) و نمی‌توانند از ورود خود به آتش جهنم، جلوگیری کنند (عدم قدرت و توانایی در دوری جستن از آتش = دسته دوم).

همان‌طور که جدول شماره ۲ نیز نشان می‌دهد، از میان آیات سوره صافات، ۶ آیه دارای طرحواره قدرتی از نوع دوم هستند که در آن‌ها نه در پشت مانع، متوقف می‌شوند و نه از آن عبور می‌کنند؛ بلکه با طغیان و سرکشی و قرار گرفتن در بیراهه، از راه حق، منحرف شده و به وادی ضلالت در می‌افتند:

(وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ) (۳۰) (فَأَعْوَيْنَاكُمْ إِنْ أْنَا كُنَّا غَاوِينَ) (۳۲) (إِنَّهُمْ

أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ) (۶۹) (وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولَئِينَ) (۷۱) (مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ) (۱۶۲)

همچنین ۲۰ آیه، دارای طرحواره قدرتی از نوع سوم هستند که با قدرت از مانع عبور کرده و به پیروزی دست یافته‌اند که این پیروزی و عبور از مانع یا توسط خود شخص انجام شده؛ همچون آیات زیر که شخص با ایمان آوردن، از مانع کفر، عبور کرده‌است:

(إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ) (۸۱) (إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ) (۱۲۲) (فَأَمَّا فِرْعَوْنُ فَلَمَّا كَانَتْ آيَاتُنَا آتِيهِ فَكَفَرْنَا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (۱۴۸)

(۱۴۸)

یا با کمک و یاری خداوند، قدرت عبور از مانع، افزایش پیدا کرده و سبب شده‌است تا بدون هیچ مشکلی به پیروزی قطعی دست یابند؛ همچون آیات زیر:

(وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ) (۱۱۶) (إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ) (۱۳۴) (إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ)

(۱۷۲) (وَإِنْ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ) (۱۷۳)

که در آن‌ها با یاری خداوند، بر مشکلات، فائق آمده و از مانع، عبور کرده و پیروز شده‌اند.

(وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ) (۱۷۱) و قطعاً فرمان ما درباره بندگان فرستاده ما از پیش

[چنین] رفته‌است.

"کلمه" خدای تعالی برای ایشان، عبارت است از قضایی که درباره آنان رانده و حکمی که کرده و "سبقت کلمه" یا به این است که عهد آن مقدم باشد و یا به این است که به نفوذ و غلبه مقدم شود، می‌فرماید: ما قضایی حتمی درباره ایشان رانیدیم که به‌طور یقین، یاری‌شدگان باشند (طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۲۷۰). بدین ترتیب، یاری و کمک خداوند در حدی بوده که به‌طور قطع بتوانند از مانع، عبور کنند. همانطور که در جدول ۱ نیز مشاهده می‌شود بعضی آیات، دو و یا سه طرحواره دارند. مانند آیات

زیر:

(وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ) (۱۱۵) و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ رهانیدیم.

که هم طرحواره قدرتی دارد (مانع را کنار زده و نجات پیدا کرده‌اند) و هم طرحواره حجمی (برای

اندوه، حجم در نظر گرفته شده است).

(فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا

تَأْمُرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ) (۱۰۲) و وقتی با او به جایگاه سعی رسید گفت ای پسرک من

من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌برم پس ببین چه به نظرت می‌آید گفت ای پدر من آنچه

را مأموری بکن ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت.

که هم طرحواره حجمی دارد (برای خواب، حجم در نظر گرفته شده‌است) و هم طرحواره قدرتی (که صبر و شکیبایی در برابر مصیبت و پذیرفتن قضای الهی و مقاومت در برابر کفر است).

(لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ) (۸) [به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند.

که هم طرحواره قدرتی دارد (از هر سوی پرتاب می‌شوند و قادر به گوش دادن نیستند) و هم طرحواره حرکتی که با استفاده از حرف اضافه «إلى» ایجاد شده است.

۵. نتایج

تطبیق نظریه جانسون بر سوره صافات، نتایج زیر را در پی داشت:

۱- طبق آمار موجود در جدول‌ها ۶۸٪ از آیات این سوره، دارای طرحواره تصویری بودند که از این میان، ۵۳٪ دارای طرحواره قدرتی، ۲۴٪ دارای طرحواره حرکتی و ۲۳٪ نیز دارای طرحواره حجمی هستند؛ لذا بیشترین بسامد، مربوط به طرحواره قدرتی است.

۲- از آنجاکه بیشتر آیات این سوره نیز مانند سایر سوره‌های مکی درباره جهان آخرت بوده که لازمه آن، انذار مخاطب است، به کارگیری بیشتر طرحواره قدرتی نسبت به دو طرحواره دیگر، امری منطقی و متناسب با غرض سوره است. خداوند در این سوره قصد دارد قدرت و یگانگی خود را نشان دهد و با آیه آغازین سوره (وَالصَّافَّاتِ صَفًّا) به خوبی قدرت خود را به تصویر می‌کشد که چگونه ملائکه همچون سربازانی که در مقابل فرمانده خود به صف می‌ایستند، مطیع و فرمان‌بردار و گوش به فرمان اویند و همچون دژی محکم در برابر هر نفوذی ایستاده‌اند و از آن، تعبیر به (فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا) - اویند که چگونگی جلوگیری از نفوذ و دستیابی شیاطین به وحی الهی را به تصویر می‌کشد.

۳- خداوند با استفاده از این طرحواره‌ها، هیبت و خوف را در دل دشمنان دین‌اش قرار داده تا حتی از فکر مقابله و مبارزه با آئین حق، ترس و هراس داشته باشند.

۴- به طور معمول، درک اموری که در ذهن، قابل تصور هستند، آسان‌تر است. بر عکس، درک مسائلی که انسان هیچ تجربه‌ای نسبت به آن‌ها نداشته، بسیار مشکل و تا حدودی ناممکن می‌نماید. خداوند در قرآن کریم که آن را برای هدایت بشر، نازل فرموده است. با استفاده از طرحواره‌های

تصویری، مفاهیم انتزاعی را به صورت تجربه‌های ملموس برای بندگان خود، تصویر کرده تا آن را بهتر درک کنند.

۵- در نظر گرفتن کفر به عنوان مانع بر سر راه بندگان و تصویر کردن ایمان به صورت غلبه‌یافتن بر مانع، در نظر گرفتن بهشت یا جهنم به عنوان مقصد نهایی بندگان و تصویر کردن زندگی و اعمال آنان به‌عنوان مسیری که در آن حرکت می‌کنند تا به مقصد خود برسند، در نظر گرفتن حجم برای جهنم، جهت تصویرسازی قرارگرفتن بدترین بندگان در قعر آن و همچنین تصویر کردن شدت عذاب، تصویر کردن حوریان بهشتی به صورت "بَيْضٌ مَّكْنُونٌ" جهت بیان چگونگی نعمت‌های بهشتی و مواردی از این قبیل، از نمونه‌های ایجاد طرحواره‌های تصویری در ذهن مخاطب، جهت درک بهتر و راحت‌تر مفاهیمی غیر تجربی، همچون: بهشت، جهنم، کفر، ایمان، ثواب و عقاب، قدرت و اراده‌ی خداوند، چگونگی حراست از وحی الهی و ... هستند.

۶- همانطور که اشاره شد، این سوره، مکی بوده و هدف اصلی آن، بیان یگانگی پروردگار عالمیان است. به کارگیری بیشتر طرحواره‌های قدرتی در این سوره، بیان قدرت خداوند در نزول وحی بر پیامبرش، به صف کردن ملائکه، جهت راندن شیاطین از نزدیک شدن به جایگاه وحی و استراق سمع، تصویر کردن جایگاه عذاب آور کافران و درود و سلام بر بندگان خالص و رسولان الهی، همگی بیانگر آن است که بیشترین مفهوم انتزاعی مورد نظر، جهت تصویرسازی در ذهن مخاطب، قدرت خداوند و عجز بندگان - اعم از انس و جن - می باشد.

۶. منابع

قرآن کریم

۱. أحمد القضاة، محمد (۱۴۳۲ق)، «سورة الصافات: دراسة أسلوبية في المستوى المعجمي»، جامعة الشارقة، العدد ۱۵، صص ۶۵-۱۰۱.
۲. بابائی پور، سمانه (۱۳۹۴)، تحلیل تفسیری تشبیه‌ها و استعاره‌ها در سوره‌های صافات، الرحمن، واقعه و قلم، استاد راهنما: سعیده غروی، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.
۳. بارسلونا، آنتونیو (۱۳۹۰)، استعاره و مجاز با رویکردی شناختی، مترجم: فرزانه سجودی، لیلا صادقی و تینا امراللهی، تهران، نقش جهان.

۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹)، البرهان فی تفسیر القرآن، ترجمه: رضا ناظمیان، علی گنجیان و صادق خورش، ج ۷، تهران، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
۵. تک‌تبار فیروزجائی، حسین، علی حاجی‌خانی و غلام‌رضا بلوری (۱۳۹۷)، «تحلیل طرحواره‌های تصویری ضرب المثل‌های فرائد الأدب و نقش آن در انعکاس فرهنگ»، جستارهای زبانی، شماره ۴۶، صص ۲۰۱-۲۲۶.
۶. توکل‌نیا، مریم و ولی‌الله حسومی (۱۳۹۵)، «بررسی طرحواره‌های تصویری حرف «فی» در قرآن با تکیه بر نظریه جانسون در معناشناسی شناختی»، تفسیر پژوهی، سال سوم، شماره پنجم، صص ۴۶-۸۰.
۷. حاجی‌رجبی، نفیسه، حسن عبدالمولی و علی نوروزی (۱۳۹۹)، «طرحواره‌های تصویری قدرتی و جهتی در حبسیه‌های محمدجواد جزایری»، زبان و ادبیات عربی، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۷-۳۲.
۸. داودی، عارفه و پروین بهارزاده (۱۳۹۹)، «طرحواره‌های تصویری «دنیا» در خطبه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه بر اساس الگوی طرحواره‌های ایوانز و گرین»، حدیث پژوهی، سال ۱۲، شماره ۲۴، صص ۱۲۷-۱۴۸.
۹. دریس، فاطمه، الخاص ویسی، بهمن گرجیان و ساسان شرفی (۱۳۹۷)، «بررسی کاربست طرحواره‌های تصویری جانسون در قرآن کریم، با تکیه بر اشاره‌های تربیتی و آموزه‌های اخلاقی در کلام وحی»، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، سال دوم، شماره ۴، صص ۵۹-۷۶.
۱۰. ذوالفقاری، اختر و نسرین عباسی (۱۳۹۴)، «استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری در اشعار ابن خفاجه»، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۰۵-۱۲۰.
۱۱. راستگو، کبری و ملیحه صاحبی (۱۳۹۷)، «بررسی طرحواره‌های تصویری قدرتی در گفتمان قرآنی با رویکرد زبان‌شناسی شناختی»، سومین همایش ملی زبان و ادبیات و بازشناسی مشاهیر و مفاخر، مشهد مقدس.
۱۲. راغب اصفهانی (۱۳۸۷)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق: غلام‌رضا خسروی حسینی، ج ۴، تهران، المكتبة المرتضوية لاحیاء آثار الجعفرية.
۱۳. سلیمی، فاطمه و کبری راستگو (۲۰۱۷م)، «المخططات التصورية ودورها فی فهم مضامین الصحیفة السجادية الأخلاقية (علی ضوء اللسانیات الإدراکیة)»، اللغة العربية وأدابها، السنة ۱۳، العدد ۱، صص ۳۷-۶۱.
۱۴. شیخ‌سنگ‌تجن، شهین (۱۳۹۶)، «بررسی طرحواره‌های تصویری در ضرب المثل‌های گویش تالشی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی»، زبان شناخت، سال هشتم، شماره دوم، صص ۱۰۳-۱۱۳.
۱۵. صادقی، فریبا، رؤیا صدیق ضیابری و رضا خیرآبادی (۱۳۹۹)، «تحلیل طرحواره‌های تصویری در اشعار مولانا بر پایه دیدگاه زبان‌شناسی فرهنگی (مطالعه موردی: آب و آتش)»، مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۱، شماره ۲۱، صص ۲۳۹-۲۷۴.

۱۶. صحاف کاشانی، معصومه (۱۳۹۵)، ساختار معنایی سوره مبارکه صافات با محوریت سلام بر انبیاء (ع)، استاد راهنما: فاطمه هاشمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
۱۷. صفوی، کورش (۱۳۹۷)، درآمدی بر معنی شناسی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سوره مهر.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۱)، تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دارالعلم.
۱۹. عابدی جزینی، مهدی، نفیسه ربانی و زهره ربانی (۱۳۹۷)، «بررسی طرحواره‌های تصویری «عذاب» در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال پانزدهم، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۵۷.
۲۰. عباسی، زهرا، امین خسروی و مهدی دهقانی (۱۳۹۸)، «تحلیل نگاشت‌های استعاره‌ای و طرحواره‌ای در مفهوم اجل در آثار مولوی»، پژوهش‌های ادبی، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۸۹-۱۱۸.
۲۱. عبد اللطیف الخطابی، حنان (۲۰۱۴م)، التناسق الموضوعی فی سوره الصافات، الأستاذ المشرف: عبدالکریم بن مستور القرنی، کلیة الدعوة وأصول الدین، جامعه أم القرى.
۲۲. فتاحی‌زاده، فتحیه و عارفه داودی (۱۳۹۸)، «طرحواره‌های تصویری فضایل و رذایل اخلاق اجتماعی در روایات نبوی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی»، مطالعات فهم حدیث، سال ششم، شماره اول، صص ۲۱۹-۲۴۱.
۲۳. فتحی ایرانشاهی، طیبیه، محمود میرزایی حسینی و شیرین پورابراهیم (۱۴۰۰)، «طرحواره‌های تصویری حوزه احساسات در رمان "حکایات یوسف تادرس"»، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۵۸، صص ۱۳۱-۱۵۴.
۲۴. فضائلی، مریم و شهلا شریفی (۱۳۹۲)، «بررسی طرحواره‌های قدرتی در برخی از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی»، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۴۴.
۲۵. فلاحی، محمدهادی و راضیه امیری (۱۳۹۹)، «بررسی طرحواره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی»، زبان‌شناخت، سال یازدهم، شماره دوم، صص ۱-۲۷.
۲۶. قائمی، مرتضی و اختر ذوالفقاری (۱۳۹۵)، «طرحواره‌های تصویری در حوزه سفر زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال چهارم، شماره سوم، صص ۱-۲۲.
۲۷. قائمی‌نیا، علی‌رضا (۱۴۰۰)، معناشناسی شناختی قرآن، چاپ سوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۸. قرشی بنایی، علی‌اکبر (۱۳۸۱)، قاموس قرآن، ج ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. کردزغفرانلو کامبوزیا، عالیه و فائقه ابراهیم پورنیک (۱۳۹۸)، «بررسی طرحواره‌های تصویری جانسون در آیات توصیف‌کننده دوزخ و بهشت در چارچوب معناشناسی شناختی»، ذهن، شماره ۷۹، صص ۱۱۹-۱۵۲.
۳۰. کریمی بروجنی، مدینه، مرتضی قائمی و شیرین پورابراهیم (۱۳۹۶)، «بازنمایی طرحواره نیرو در گزاره‌های دینی و اخلاقی زبان قرآن»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال نهم، شماره دوم، صص ۷۷-۹۴.

۴۰. گلشائی، رامین، فرزانه موسوی و فریده حقیب (۱۳۹۸)، «تحلیلی شناختی از استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری»، مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۱.

۴۱. موسوی بفرویی، محمد و مریم توکل‌نیا (۱۳۹۷)، «بررسی استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری ظرف «فوق» در زبان نهج‌البلاغه»، زبان‌پژوهشی، سال یازدهم، شماره ۳۲، صص ۴۹-۷۶.

۴۲. هاشمی، فرزانه (۱۳۹۵)، تصویرپردازی هنری در سوره صافات، استاد راهنما: عبدالله رسول نژاد، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه کردستان.

43. Amant, R., Morrison, C., Chang, Y., Cohen, P. & Beal, C. (2006). An Image Schema Lanuage, Information Sciences Institute, University of Southern California. 1-6.

44. Hedblom, M., Kutz, O. & Neuhaus, F. (2015). Chossing the Right Path: Image Schema Theory as a

Foundation for Concept Invention. Journal of Artificial Intelligence. 6(1). 21-54.

45. Hedblom, M., Kutz, O., Penaloza, R. & Guizzardi, G. (2019). Image Schema Combinations and Complex Events. KI-Kunstliche Intelligenz. 33. 279-291.

46. Johnson, Mark (2005). The Philosophical Significance of Image Schemas. From Perception to

Meaning: Image Schemas in Cognitive. Linguistics By B.Hampe. 15-33.

47. Santibanez, F. (2001). The object image-schema and other dependent schemas. Allantois. 4(2). 183-201.

Study of the Image Schemas of the Holy Qur'an Based on Johnson's Theory: the Case of Surah As-Saffat

Ali Aswadi¹

Somayyeh Modiri²

Abstract

Cognitive linguistics is one of the newest categories of linguistics that has established a relationship between language and human thought, and includes various theories including conceptual metaphor, image schemas, etc. The theory of image schemas, developed by Lakoff and Johnson, examines the ways in which meaning and perception are derived from and relevant to our physical experience. The human mind understands the meaning of schemas without the need for complex processing and training. In other words, in an image schema, sensory experiences are mapped to conceptual structures, and they can be used to talk about abstract domains. The present descriptive-analytical study aimed to investigate the meaning of image schemas of the Holy Qur'an. For this purpose, using Johnson's theory, the image schemas of Surah As-Saffat were extracted and analyzed. The results indicate that the highest frequency is related to the force schema (53%), and the frequency of the transformational schema (24%) and the spatial schema (23%) are almost the same. This is in line with the purpose of this Surah which is informing about the hereafter and giving a warning to the servants of God. Also, in the spatial schema, the preposition "fi", repeated 15 times, and in the transformational schema, the preposition "ila", repeated in nine cases, had the highest frequency. These schemas have been created to help the readers better understand non-empirical concepts, such as heaven, hell, infidelity, faith, reward and punishment, the power and will of God, and so on.

Keywords: cognitive linguistics, image schemas, Johnson's theory, the Holy Qur'an, Surah As-Saffat.

* *Date Received: December 14, 2021; Date Accepted: January 31, 2022

1. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University; Email: aswadi@khu.ac.ir

2. PhD student in Arabic language and literature, Kharazmi University; Email: s.modiri@khu.ac.ir